

گزارشی از بیست‌وسومین دفتر از شب‌های فرهنگ ؛ بزرگداشت ناصر طهماسب

این همه بی‌مهری حقیش نبود

بیست‌وسومین دفتر از شب‌های فرهنگ که به دیدار با زنده‌یاد استاد ناصر طهماسب اختصاص داشت در دفتر کار اکبر نبوی برگزار شد. این دفتر با حضور میهمانانی همچون حسین شایگان از پیشکسوتان دوبله و ترجمه، رضا پورحسین از اساتید دانشگاه، محمود گبرلو برنامه‌ساز و مجری، علی ملاقلی‌پورکارگردان، حمید شریفی و امیر محمدی برگزار شد.
د ر ابتدای این نشست صمیمی اکبر نبوی (میزبان شب‌های فرهنگ) گفت: «قرار بود این شب، پاسداشت یکی از هنرمندان در قید حیات باشد و تماسی هم با او گرفتیم اما به دلیل درگذشت غم‌انگیز ناصر طهماسب و به‌ویژه به خاطر ناسپاسی‌هاو بی‌مهری‌هایی که در این ایام در حق ایشان شد ترجیح دادم که این دفتر از شب‌های فرهنگ را به این هنرمند و گوینده اختصاص دهم. معتقدم مرحوم طهماسب ترور شخصیت شد؛ به‌خاطر اینکه برای فیلم‌های مستندی گفتارمتن خوانده بود. این اقدام مرحوم طهماسب یا به‌خاطر اعتقاد بوده یا نه، به‌عنوان یک هنرمند حرفه‌ای این کار را به‌خاطر دستمزد انجام داده. به هر دلیل که این کار را کرده حق نبود این بی‌مهری و حمله به او از سوی برخی از افراد نباید صورت می‌گرفت. استاد طهماسب بیش از شصت و اندی سال هم هنرورزی و هم هنرمندی کرده است. هنرورزی به‌خاطر سال‌های ورود به این حوزه است تا مسلط شود و ذهن چابکش را برای انواع صداهایی که بایستی در هنر دوبله عرضه بکند، بسط دهد و هنرمند بود به این دلیل که توانست با صدای ناب خود شخصیت‌های ماندگاری را در حوزه درام پدید آورد.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «کارنامه ناصر طهماسب واقعا درخشان است. حسی که مخاطبان ایرانی از بازیگرانی مثل آل‌پاچینو، جک نیکلسون، همفری بوگارت و آثارشان گرفتند، متاثر از دوبله‌های درخشان طهماسب است و ای کاش سینمای ایران دوباره به دوبله بازمی‌گشت. متأسفانه در سینمای ما شمار زیادی از هنرپیشگان زن و مرد روی صدایشان کار نمی‌کنند و هنر دوبله می‌تواند ضعف آنها را جبران کند. گرچه متأسفانه کاروان دوبله ایران رفته‌رفته عناصر برجسته خودش را از دست داده است و درد بزرگ این است که برای عزیزانی که از دست داده‌ایم جایگزینی نیست.»

نبوی برای دعوت از اولین میهمان گفت: «از استاد حسین شایگان از قدیمی‌های هنر دوبله دعوت می‌کنم به‌عنوان اولین سخنران بیایند. آقای شایگان از پیشکسوتان دوبله در سینمای ایران هستند و زحمت ترجمه و ویراستاری آثار نمایشی بسیاری را برعهده داشته‌اند از جمله هنرمندانی است که با ناصر طهماسب هم‌نشین داشتند.» حسین شایگان در این مراسم گفت: «به اقتضای کاری که داشتم ارتباط مستقیم با مدیران دوبلاژ داشتم. با ناصر طهماسب از زمانی که وارد کار دوبله شدم، یعنی در سال‌های ۵۳ یا ۵۴ آشنا شدم. در استودیو کاسپین سریالی را دوبله می‌کردند که من ترجمه متن آن سریال را برعهده داشتم. از همان موقع شخصیت ایشان برای من متفاوت بود. از همان سال‌ها تا به امروز تقریباً با همه مدیران دوبلاژها همکاری داشتم اما کاراکتر طهماسب پیچیده‌ترین شخصیت در دوبله است و صحبت از او کار ساده‌ای نیست.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «ناصر طهماسب جزه پنج گوینده هنر بتر دوبله ایران است اما به‌خاطر وجه شخصیتی‌شان که بابقیه فرق داشت خیلی اهل مصاحبه کردن و برون‌ریزی نبود. آن نسل درخشان دوبله از جمله آقای منوچهر اسماعیلی و آقای طهماسب و… را من نسل ۱۸ می‌نامم که عمدتاً متولدین ۱۳۱۸ بودند. بدون اینکه خیلی‌ها ناصر طهماسب را درک کنند او برای خیلی از گوینده‌ها یک الگو بود. او در کار هنری هوش سرشاری داشت و شیوه کار متفاوتی به نسبت بقیه داشت. از همان سریال اولی که با هم کار کردیم متوجه شدم که سرعت خوبی در سینک و نهایی کردن هر قسمت از سریال دارد با این حال نتیجه کارش از خیلی‌های دیگر که وقت زیادی برای کار می‌گذاشتند، بهتر بود. گاهی پیش می‌آمد که حین دوبله نسبت به استفاده از کلمات تردید داشتم و آقای طهماسب به‌درستی و دقت به انتخاب کلمات کمک می‌کرد.»

شایگان در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «هنرمندان واقعی عمدتاً کاراکتر ترمالی ندارند و برای همین است که ناصر طهماسب هم در هنرش و در زندگی‌اش متفاوت از بقیه بود، حتی در مورد این پرده‌آخر زندگی‌اش که گفتید ترور شخصیت شد. فکر نکنم هیچ کس توانسته باشد به‌درستی او را قضاوت کرده باشد. ناصر طهماسب هیچ‌گاه آدم احساسی نبود و براساس احساسش، قضاوت و عمل نمی‌کرد. بعد از فوت ایشان درمورد او مخالف و موافق حرف زدند و او را قضاوت می‌کردند اما به نظر من هر دو سمت اشتباه کردند. ناصر طهماسب به آن معنایی که در جامعه تعبیر می‌شود یک فرد ارزشی نبود و برایش اهمیتی نداشت که کاری که می‌خواند چه مواجهه‌ای با آن دارند، به‌خصوص که در این

چارسو

بالاخره برج میلاد

کاخ جشنواره چهل‌ودوم شد

سرانجام پس از چند روز کشمکش، روز شنبه اول دی ماه ۱۴۰۲ برج میلاد تهران به‌عنوان خانه اصلی چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر انتخاب شد و طی ۲۲ تا ۱۶ بهمن‌ماه در اختیار جشنواره خواهد بود. مکان‌های مناسب بسیار کمی برای برگزاری جشنواره فیلم فجر در تهران وجود دارد و در سال‌های گذشته، دست‌اندرکاران ترجیح داده‌اند بین سینما فلسطین و سینما صحرا (ادوار خیلی قدیمی)، پردیس ملت، مرکز همایش‌های برج میلاد تهران و پردیس چارسو (ادوار جدیدتر) در رفت و آمد باشند؛ اما همیشه پردیس ملت و برج میلاد تهران به جهت سالن‌های نمایشی، گنجایش مخاطب و پارکینگ مناسب‌ترین مکان برای برگزاری جشنواره تلقی شده است. از مدتی پیش قرار بود مرکز همایش‌های برج میلاد تهران به‌عنوان مکان برگزاری جشنواره معرفی شود و راینی‌هایی جدی در این زمینه با شهرداری تهران شده بود. اما روز جمعه سوم دی ماه ایسنا در گزارشی براساس شنیده‌هایش اعلام کرد که اختلافات مربوط به راه‌ندادن یک فیلم به بخش مسابقه سودای سیمغ باعث شده که لغامه درباره برج میلاد فعلا در کشاکش اختلاف (میان شهرداری و وزارت ارشاد) بماند، حتی در این خصوص مذاکراتی با مکان‌هایی مانند «اسپیناس پالاس» شده بود که احتمال بزرگ‌یک سری حواشی در آنها می‌رفت و سرانجام برج میلاد به‌عنوان محل برگزاری جشنواره تایید شد.

روزگار شرایط اقتصادی دوبله متفاوت از سال‌های اولیه ورود این هنر در ایران است. ناصر طهماسب در دهه پنجاه، دستمزدش پنج هزار تومان بود؛ درحالی‌که حقوق جلال صفا مدیر واحد دوبلاژ سه هزار و ۵۰۰ تومان بود. برای ترجمه یک فیلم سینمایی حدود هفت سکه دستمزد به من می‌دادند اما الان بعد از نزدیک به ۵۰ سال کار دوبله دستمزد ترجمه، نیم‌گرم طلاهم نمی‌دهند یعنی ابتقدر وضعیت معیشت و اقتصاد دوبله خراب شده است. در نتیجه زندگی آقای طهماسب هم از آسمان که تا مین نمی‌شد و به هر حال باید به فکر معیشت می‌بود. ایشان اگر در طول ماه بیست روز هم کار می‌کرد نهایتاً نصف اجاره خانه‌شان تأمین می‌شد. او داخل منزل، استودیویی راه‌اندازی کرد و متن و تیزرهای تبلیغاتی را همانجا می‌خواند. حرف من این است که در بین دوبلوهرای دیگر همین رویه است و دنبال چنین کارهایی می‌روند اما انمود می‌کنند که ما به کاری که کردیم، باورمندیم. اما ناصر طهماسب عملاً برایش مهم نبود که دیگران درمورد او و کاری که می‌کند، چه قضاوتی دارند و مهم نبود که دیگران درموردش چه فکری می‌کنند و پشت سرش چه می‌گویند.»

او درمورد شیوه هنرمندی ناصر طهماسب و تفاوتش با دیگر هنرمندان دوبله گفت: «کاری که او در طراحی و دوبله نقش‌ها انجام می‌داد به قدری هنرمندانه بود که مخاطب تمام احساس آن کاراکتر را درک می‌کرد. وقتی جک نیکلسون بازی می‌کند تو گویی احساس می‌کنی که انگار خود این بازیگر فارسی حرف می‌زند. از وقتی که دوبله از سینمای فارسی بیرون آمد لطمه سنگینی به سینمای ایران خورد. همسن و سال‌های شما قطعاً یادشان است که آن سینما با دوبله درخشان ماند.»

این هنرمند دوبله در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «در یک مقطعی بعد از انقلاب از کار دوبله جدا شدم و به سراغ کار تولید رفتم. سال ۱۳۸۱ بود که حضور کمزگنی هم در تلویزیون پیدا کردم و یادم است آن زمان ناصر طهماسب از من پرسید که چه می‌کنی و به او گفتم که در شهرمان قزوین کار تولیدی راه‌انداختم. او خیلی خوشترد به من گفتم آن کار را رها کن تو مترجمی. این حرفش روی من خیلی تأثیر گذاشت تا حدی که دو واحد تولیدی را در قزوین رها کردم و آمدم و دوباره فول‌تایم کار ترجمه را شروع کردم. ببینید او تأثیرهای اینچنینی داشت. خیلی از بزرگان دوبله بودند که خودشان متوجه نبودند که دارند از ناصر طهماسب تقلید می‌کنند. ارجاع می‌دهم شما را به یکی از برنامه‌های «دو قدم مانده به صبح» با اجرای محمد صالح علا که آقای طهماسب در آنجا به‌عنوان میهمان حضور داشتند. آنجا می‌دیدم که ایشان چه جایگاهی داشت و چه تأثیری روی افراد تولیدی داشت که اتفاقاً او هم دوبلور بود.» شایگان در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «خیلی از گوینده‌ها از سبک طهماسب تقلید می‌کنند اما هیچ دوبلوری مثل ناصر طهماسب نمی‌شود. او در ساخت صدا و لهجه‌ها تبحر داشت و تپ‌سازی فوق‌العاده‌ای داشت و استعداد بی‌ظفیری در دوبله داشت. از لحاظ شخصیتی هم کاراکتر متفاوتی داشت و با خیلی از آدم‌ها صمیمی نمی‌شد و به‌زعم من فهیده‌ترین فرد در دوبله بود.» او ادامه داد: «تعجب این است که برخی در این ایام می‌گفتند که آقای طهماسب صدایش را فروخت درحالی‌که این تدوام شغل و حرفه‌شان بود و اتفاقاً یکی از ویژگی‌های ناصر طهماسب این بود که هیچ‌گاه مجیز کسی را نمی‌گفت. درحالی‌که مدیران دوبلاژی داشتیم که آویزان صاحبان فیلم بودند اما ناصر طهماسب بسیار آدم رکی بود و هرجایی که لازم بود حرفی بزند را می‌زد. از نظر داش عمومی لاف نمی‌زد و تظاهر به همه چیزدانی نمی‌کرد.» در پایان صحبت‌های شایگان، اکبر نبوی درخصوص بهترین کارهای ناصر طهماسب سوال کرد و این هنرمند دوبله گفت: «کار دوبله و سینما یک کار تیمی است و نمی‌شود آن را فقط متاثر از یک فرد دانست. با این حال آقای طهماسب، دوبله کاراکتر جک نیکلسون در شاینینگ و دیوانه از قفس پرید را فوق‌العاده اجرا کرد. در هزارستان هم خیلی خوب است اما با این حال جایگاه طهماسب بیش از هزارستان بود. او روی حنجره‌اش کار کرده بود و تخصصش صداسازی بود و می‌توانست صدایش را برای رل‌های مختلف تغییر بدهد. ناصر طهماسب هوش سرشاری داشت و می‌توانست حس کاراکتر را به خوبی درک کند و با دوبله منتقل کند.» در ادامه مراسم محمود گبرلو در مورد ناصر طهماسب گفت: «مرحوم طهماسب یک معجزه برای صدا و دوبله در سینمای ایران بود. به هر حال کار دوبله را هنرمندان زیادی انجام می‌دهند اما کاری که ناصر طهماسب می‌کرد انتقال حس آن کاراکتر به مخاطب بود چون قصه و شخصیت‌های آن فیلم‌ها را می‌شناخت. ما که فیلم‌های خارجی را با زیرنویس و صدای اصلی فیلم ندیدیم بلکه صدا و هنر دوبلورها بود که ما را با سینمای جهان و شخصیت‌های فیلم آشنا کرد و ما مدیون هنر و صدای آنها هستیم.» گبرلو در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «صدای خوب را شاید خیلی‌ها داشته باشند اما هنر طهماسب این بود که فهم درستی از کاراکترها و فیلم داشت و می‌توانست همان

را درک می‌کرد.» حسین شایگان در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «ناصر طهماسب در دهه پنجاه، دستمزدش پنج هزار تومان بود؛ درحالی‌که حقوق جلال صفا مدیر واحد دوبلاژ سه هزار و ۵۰۰ تومان بود. برای ترجمه یک فیلم سینمایی حدود هفت سکه دستمزد به من می‌دادند اما الان بعد از نزدیک به ۵۰ سال کار دوبله دستمزد ترجمه، نیم‌گرم طلاهم نمی‌دهند یعنی ابتقدر وضعیت معیشت و اقتصاد دوبله خراب شده است. در نتیجه زندگی آقای طهماسب هم از آسمان که تا مین نمی‌شد و به هر حال باید به فکر معیشت می‌بود. ایشان اگر در طول ماه بیست روز هم کار می‌کرد نهایتاً نصف اجاره خانه‌شان تأمین می‌شد. او داخل منزل، استودیویی راه‌اندازی کرد و متن و تیزرهای تبلیغاتی را همانجا می‌خواند. حرف من این است که در بین دوبلوهرای دیگر همین رویه است و دنبال چنین کارهایی می‌روند اما انمود می‌کنند که ما به کاری که کردیم، باورمندیم. اما ناصر طهماسب عملاً برایش مهم نبود که دیگران درمورد او و کاری که می‌کند، چه قضاوتی دارند و مهم نبود که دیگران درموردش چه فکری می‌کنند و پشت سرش چه می‌گویند.»

او درمورد شیوه هنرمندی ناصر طهماسب و تفاوتش با دیگر هنرمندان دوبله گفت: «کاری که او در طراحی و دوبله نقش‌ها انجام می‌داد به قدری هنرمندانه بود که مخاطب تمام احساس آن کاراکتر را درک می‌کرد. وقتی جک نیکلسون بازی می‌کند تو گویی احساس می‌کنی که انگار خود این بازیگر فارسی حرف می‌زند. از وقتی که دوبله از سینمای فارسی بیرون آمد لطمه سنگینی به سینمای ایران خورد. همسن و سال‌های شما قطعاً یادشان است که آن سینما با دوبله درخشان ماند.»

این هنرمند دوبله در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «در یک مقطعی بعد از انقلاب از کار دوبله جدا شدم و به سراغ کار تولید رفتم. سال ۱۳۸۱ بود که حضور کمزگنی هم در تلویزیون پیدا کردم و یادم است آن زمان ناصر طهماسب از من پرسید که چه می‌کنی و به او گفتم که در شهرمان قزوین کار تولیدی راه‌انداختم. او خیلی خوشترد به من گفتم آن کار را رها کن تو مترجمی. این حرفش روی من خیلی تأثیر گذاشت تا حدی که دو واحد تولیدی را در قزوین رها کردم و آمدم و دوباره فول‌تایم کار ترجمه را شروع کردم. ببینید او تأثیرهای اینچنینی داشت. خیلی از بزرگان دوبله بودند که خودشان متوجه نبودند که دارند از ناصر طهماسب تقلید می‌کنند. ارجاع می‌دهم شما را به یکی از برنامه‌های «دو قدم مانده به صبح» با اجرای محمد صالح علا که آقای طهماسب در آنجا به‌عنوان میهمان حضور داشتند. آنجا می‌دیدم که ایشان چه جایگاهی داشت و چه تأثیری روی افراد تولیدی داشت که اتفاقاً او هم دوبلور بود.» شایگان در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «خیلی از گوینده‌ها از سبک طهماسب تقلید می‌کنند اما هیچ دوبلوری مثل ناصر طهماسب نمی‌شود. او در ساخت صدا و لهجه‌ها تبحر داشت و تپ‌سازی فوق‌العاده‌ای داشت و استعداد بی‌ظفیری در دوبله داشت. از لحاظ شخصیتی هم کاراکتر متفاوتی داشت و با خیلی از آدم‌ها صمیمی نمی‌شد و به‌زعم من فهیده‌ترین فرد در دوبله بود.» او ادامه داد: «تعجب این است که برخی در این ایام می‌گفتند که آقای طهماسب صدایش را فروخت درحالی‌که این تدوام شغل و حرفه‌شان بود و اتفاقاً یکی از ویژگی‌های ناصر طهماسب این بود که هیچ‌گاه مجیز کسی را نمی‌گفت. درحالی‌که مدیران دوبلاژی داشتیم که آویزان صاحبان فیلم بودند اما ناصر طهماسب بسیار آدم رکی بود و هرجایی که لازم بود حرفی بزند را می‌زد. از نظر داش عمومی لاف نمی‌زد و تظاهر به همه چیزدانی نمی‌کرد.» در پایان صحبت‌های شایگان، اکبر نبوی درخصوص بهترین کارهای ناصر طهماسب سوال کرد و این هنرمند دوبله گفت: «کار دوبله و سینما یک کار تیمی است و نمی‌شود آن را فقط متاثر از یک فرد دانست. با این حال آقای طهماسب، دوبله کاراکتر جک نیکلسون در شاینینگ و دیوانه از قفس پرید را فوق‌العاده اجرا کرد. در هزارستان هم خیلی خوب است اما با این حال جایگاه طهماسب بیش از هزارستان بود. او روی حنجره‌اش کار کرده بود و تخصصش صداسازی بود و می‌توانست صدایش را برای رل‌های مختلف تغییر بدهد. ناصر طهماسب هوش سرشاری داشت و می‌توانست حس کاراکتر را به خوبی درک کند و با دوبله منتقل کند.» در ادامه مراسم محمود گبرلو در مورد ناصر طهماسب گفت: «مرحوم طهماسب یک معجزه برای صدا و دوبله در سینمای ایران بود. به هر حال کار دوبله را هنرمندان زیادی انجام می‌دهند اما کاری که ناصر طهماسب می‌کرد انتقال حس آن کاراکتر به مخاطب بود چون قصه و شخصیت‌های آن فیلم‌ها را می‌شناخت. ما که فیلم‌های خارجی را با زیرنویس و صدای اصلی فیلم ندیدیم بلکه صدا و هنر دوبلورها بود که ما را با سینمای جهان و شخصیت‌های فیلم آشنا کرد و ما مدیون هنر و صدای آنها هستیم.» گبرلو در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «صدای خوب را شاید خیلی‌ها داشته باشند اما هنر طهماسب این بود که فهم درستی از کاراکترها و فیلم داشت و می‌توانست همان



حس را منتقل کند.»

در این مراسم رضا پورحسین از مدیران سابق تلویزیون هم سخنرانی کرد. او با اشاره به همکاری‌اش با دوبلوهرها برای گویندگی مستندهای شبکه چهار گفت: «بیشتر مستندهای علمی، تاریخی و حیات وحش در شبکه چهار داشتیم و بیشتر آقای افشاری به گویندگی می‌کرد که خدا حفظش کند و بعد در امتداد ایشان، آقای نماینده شروع کرد. به توصیه من اسماعیل میرفرخایی هم دوبله کرد. مدیر شبکه چهار که شدم تله‌تاترها را از شبکه دو به چهار بردم و تاترهای بسیاری ضبط کردیم. بعد از آن دوباره مدیر شبکه دو شدم و فکر کردم که چرا همه را به شبکه چهار منتقل کردیم و دوباره ضبط تاترهای ایرانی را شروع کردیم.» وی در ادامه افزود: «زمانی که قائم مقام تلویزیون شدم کار دوبلاژ در زمان آقای مهاجرانی به من سپرده شده بود. یادتان باشد در گذشته هنرمندان تعصب خاصی روی هنر دوبله داشتند و مثلاً کابر خوبی برای پدرسالار گفته بود که با این کار را دوبله کنید یا کالا کار نمی‌کنیم. وقتی که در شبکه دو بودم، گفتم که فیلم و سریال «ابراهیم» محمدرضا وزری دوبله شود. برای فیلم قاعده بازی معتد می‌شدم و همین‌طور اتفاق افتاد. شما الان ببینید کار «محد» آقای مجید سجیدی دوبله نشده و به نظر جفا به کار بود. یک دلیل اینکه فیلم به دل من ننشست، همین نداشتن دوبله بود.» او در بخش دیگری از این نشست صمیمی گفت: «الان نسل جدید دوبله را دوست ندارد. به نظر ما باید یک پژوهش درباره این موضوع انجام شود. صداهایی که در دوبله داریم اورجینال هستند اما به لحاظ زیبایی‌شناختی آسیب دیدند.» پورحسین در بخش دیگری از صحبت‌هایش به موضوعی که دوبلوهرای قدیمی در هنرشان داشتند، اشاره کرد و گفت: «ناصر طهماسب و منوچهر اسماعیلی دو عزیز بودند که برای چهره‌های ماندگار انتخاب شدند اما خودشان نپذیرفتند. نه اینکه این جایزه را قبول نداشته باشند بلکه به این دلیل بود که ارجاع می‌دادند که فلانی انتخاب بشود بهتر است. آن وقت در مقابل اینها کسانی بودند که کامیون کامیون رزومه برای خودشان می‌آوردند تا انتخاب شوند.»

علی ملاقلی‌پور در ادامه این برنامه گفت: «ما همیشه سینمای دهه ۵۰ و ۶۰ را دهه‌های بعد که صدای سر صحنه آمد، مقایسه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که بزرگ‌ترین لطف هنر دوبله، به بازیگران بود. در سریال‌های آن زمان، صداهایی برای ما به یادگار مانده است که زنگ دارند. کارهایی که الهباب داشت صدای ناصر طهماسب روی آنها بهتر می‌نشست. حتی در مستندهای سیاسی هم صدای ایشان بهتر بود. مستندا ملتعب بود و کاملاً صدایشان به مستند کمک می‌کرد. شاید خودم با این مستندها خیلی از نظر سیاسی میانه‌ای نداشتم اما آدم باید فراتر از این موارد نگاه کند. این حرف که گفته می‌شود ایشان صدافروشی کرده است را قبول ندارم. چرا فکر نمی‌کنند که او این کار را انتخاب کرده و دوست داشته تا بابت انتخابش هزینه بدهد. ضرورت تشکیل این جلسه هم از این حیث است. آدمی که خودش را در معرض مصاحبه و دیده شدن قرار نمی‌دهد اما به یک انتخابی رسیده که این ارزشمند است.» این کارگردان با یادی از پدرش در این برنامه گفت: «همه به من می‌گویند پدر تو خودش بود. این خودش بودن همیشه به معنای درست بودن نیست بلکه به معنای دروغ نبودن است. این قبیل آدم‌ها باید همدیگر را بپذیرند، با همه اختلاف‌هایی که وجود دارد. ما شاید الان متوجه نشویم که ایشان چه صدایی داشتند. استاد طهماسب نه‌تنها صدافروشی نکرده بلکه خودش را خرج کرده است. صدایشان ویژه شده است. با یک صدای خاص مواجه بودیم که بدیل نداشت. اینکه

رشد چند میلیاردی گیشه‌ها

در ماه اول زمستان

سینمای ایران در دی ماه امسال نسبت به ماه پیش از آن با افزایش بیش از پنج‌میلیارد تومانی روبه‌رو بود. جمعه ۲۲ دی با فروش بیش از ۱۰ میلیارد تومان، پرفروش‌ترین روز و سه شنبه پنجم همین ماه با ۲۳۸ هزار و ۲۸۹ نفر پر مخاطب‌ترین روز این ماه محسوب می‌شوند. فیلم‌های سینمایی «هتل» با فروش بیش از ۳۸ میلیارد و ۷۸۰ میلیون تومان، «هاوایی» با فروش بیش از ۲۹ میلیارد و ۵۲۳ میلیون تومان، «ویلای ساحلی» با فروش بیش از ۲۵ میلیارد و ۱۹۸ میلیون تومان، «ورود و خروج ممنوع» با فروش بیش از ۱۴ میلیارد و ۴۹۹ میلیون تومان، «فسیل» با فروش بیش از ۱۰ میلیارد و ۶۹۹ میلیون تومان، «بچه زریگ» با فروش بیش از هفت میلیارد و ۹۳ میلیون تومان، «مسافری از گانورا» با فروش بیش از پنج میلیارد و ۲۹۲ میلیون تومان، «ناگگیل ۲» با فروش بیش از دو میلیارد و ۲۵۹ میلیون تومان، «موجه تیغی» با فروش بیش از دو میلیارد و ۸۴ میلیون تومان و «ضد» با فروش بیش از یک میلیارد و ۷۵ میلیون تومان به ترتیب، اول تا دهم جدول فروش دی را به خود اختصاص دادند. همچنین اعلام شد که ۶۲ درصد از فروش کل سینماهای کشور توسط ۴۰ سینما محقق شد که جمع کل فروش این سینماها ۸۸ میلیارد و ۱۹۵ میلیون تومان است.

فرهنگستان

فرهنگ



دوشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۲



شماره ۴۰۶۴



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGADAILY

۷ بخش جدید

به جشنواره تجسمی فجر اضافه شد

شانزدهمین جشنواره تجسمی فجر در هفته آینده آغاز خواهد شد و در این دوره جشنواره با هفت بخش جدید همراه شده است که البته بعضی از آنها تازه‌وارد نیستند. تعدادی از این هفت بخش در دوره‌های دیگری نیز همرا جشنواره بودند و هر کدام به دلیلی در دوره گذشته حضور نداشتند. این دوره با بخش‌های جدید آبگینه هنری، طراحی فرهنگ محور، نشان کتاب‌های هنرهای تجسمی، بخش علمی با دانش‌هنرهای تجسمی، کاتبان سوره‌حمد، دیوارنگاری شهری و پوسترهای فجر همراه شده‌است. بخش هنر جدید سال گذشته در دوره پانزدهم جشنواره تجسمی فجر حذف شده بود؛ این بخش امسال دیگر باره بازگشته است. دو بخش فیلم‌های مستند هنرهای تجسمی و بازار هنرهای تجسمی نیز طی چندین دوره از جشنواره حضور داشتند که بعد از چند دوره غیبت بازگشتند. جشنواره تجسمی فجر قرار است با رویکرد هنر نوآور، خلاق، وحدت بخش و امیدآفرین برگزار شود. این رویداد در اصل دارای بخش رقابتی با عنوان طوبای زرین و بخش‌های غیررقابتی است که هر کدام چندین زیرمجموعه را داراست. امیر عبدالحسینی، مدیرکل شانزدهمین جشنواره تجسمی فجر معتقد است که به‌صورت کلی در دوره‌های گذشته جشنواره از مسیر اصلی خود که قرار بوده محل حضور حرفه‌ای‌ها شود فاصله گرفته و به یک جشنواره کمیت‌گرایانه رسیده است.

۱۳